

در باره جایگاه کنگره چهارم حزب

در پاسخ به سوالات ایسکرا در باره کنگره چهارم حزب تعدادی از اعضای هیات اجرائی کمیته کردستان و برخی رفقای دیگر، ارزیابیهای خود را ارائه داده اند که در اینجا میخوانید. رحمان حسین زاده چند سوال را پاسخ داده است و بقیه رفقا هرکدام یک سوال را، این سوالات بدین قرارند:

۱- کنگره چهارم حزب برگزار شد و شما یکی از شرکت کنندگان در آن بودید. ارزیابی شما از جایگاه این کنگره و چگونگی برگزاری آن چیست؟

۲- فضای متحول سیاسی ایران و ضرورت جوابگویی روشن به آن و عدم حضور منصور حکمت دو فاکتور مهم تاثیر گذار بر کنگره بودند. با توجه به این دو فاکتور کنگره چقدر جوابگو عمل کرده است.

۳- در مورد مصوبات کنگره نظرتان چیست؟

۴- از نظر شما پیام اصلی این کنگره به مردم چیست؟ و شما چه فراخوانی و یا توقعی از مردم دارید؟



رحمان حسین زاده

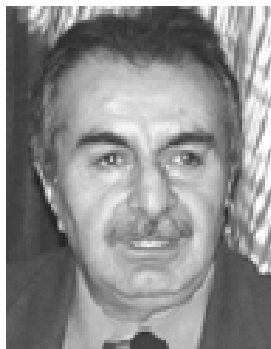
رحمان حسین زاده: به هر لحاظ کنگره بسیار موفق بود. همانطور که مدنظر رهبری حزب بود، کنگره به نمایش قدرت حزب تبدیل شد. این نکته را باید مدنظر داشته باشید، این کنگره بدون حضور منصور حکمت، مغز متفکر، رهبر و سازمانده همه لحظات تاریخ کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری تشکیل شد. تحمل این ضایعه جبران ناپذیر و فراتر از

صفحه ۲

دیگر دوران گفتن "آلترناتیو نیست" بسر آمده است

مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده ر مورد کنگره چهارم حزب

اسد نودینیان: کنگره چهارم حزب برگزار شد. ارزیابی شما از جایگاه این کنگره و چگونگی برگزاری آن چیست؟



فاتح شیخ

در مورد مصوبات کنگره

قطعنامه های "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" و "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" هر دو به امر کسب

صفحه ۲

صفی برای

پیوستن

ایرج فرزاد



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال: سیاوش دانشور

نه روسری نه صلیب

صفحه ۸



عبدالله دارابی

فضای متحول سیاسی ایران و ضرورت جوابگویی روشن به آن و عدم حضور منصور حکمت دو فاکتور مهم تاثیر گذار بر کنگره بودند. با توجه به این دو فاکتور کنگره چقدر جوابگو عمل کرده است؟

قبل از رجوع به پاسخ اصلی سؤال، یاد آوری میکنم که حزب

صفحه ۳

مراسم بزرگ گرامیداشت تهمورث فرزاد

در سندانج

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفی برای پیوستن

گوشه خیابانها و در گوشه زندانهای کثیف و وحشتناک رژیم تبه کاران اسلامی، به امید درخشش یک نور امید و روشنائی، برای بنای یک جامعه انسانی، برابر و مرفه و خوشبخت، آری اکثریت قریب به اتفاق جامعه ۷۰ میلیونی ایران با کنگره چهارم و مصوبات و تصمیمات آن مطمئن شدند و اطمینان خاطر یافتند که چشم انداز آتی جامعه ایران با سقوط رژیم نکتب اسلامی روشن و تضمین شده است. اگر دشمنان رنگارنگ کمونیسم و آزادی و برابری، خواب به حاشیه رفتن ما را در فقدان منصور حکمت در حسابگریهای حقیرانه و ارتجاعی میدیدند، اگر خیل شکست خوردگان متعصبین وفادار به آرمانهای بورژوازی خودی و سنت حاج بازاری و آخوند مسلک ها، صف در هر ریخته و فروپاشیده جناح اصلاح رژیم جنایتکاران اسلامی در کمین ضعیف شدن حزب کمونیسم کارگری نشسته و ضربان قلبشان با روسای وزارت شکنجه و تعزیر بالا و پائین میرفت، اگر وادادگان و تسلیم شدگان به آرمانهای پوچ و ارتجاعی سرمایه داری خودی و ملی و اسلامی، تئوریهای شکست سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی و تلاش برای برهم چیدن بساط بردگی مزدی و در یک تیختر فیلسوفانه هر گونه خیزش و انقلاب مردم علیه حاکمیت اقلیتی طفیلی و سربرای اسلامی را تختنه کردند، کنگره چهارم حزب ما به میلیونها انسان فروکوفته تحت رژیم نسل کشیها و رژیم کشتارها و قصاص ها و سنگسارها و رژیم آپارتاید جنسی و رژیم بی رحمی و شقاوت علیه کودک، رژیم مفت خوران حاکم بر سرنوشت کارگران امید داد، و عزم جزم و اراده قاطع برای بنای یک جامعه شایسته زندگی انسان را بشارت داد. در این کنگره منصور حکمت با تمام عظمتش حاضر بود و دید که توصیه هایش، رهنمودهایش و درایت و عشق عمیق او به سعادت و خوشبختی و سرفرازی انسان بر تارک کنگره درخشیدند.

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری، با آن جلوه های پرشکوه اش، به مردم ایران تعهد داد که تنها ابزار و تنها نقطه اتکا برای تضمین دستاورد مبارزات و

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

ناشی از عدم حضور منصور حکمت را کاهش دهد. به نظر من طرز شایسته‌ای به هردو مسئله مورد نظر من جواب داد. مصوبات این کنگره جواب سیاسی روشنی به این اوضاع متحول و تلاش برای شکل دادن به سیمای سیاسی تحول انقلابی است که در جریان است. سند اوضاع سیاسی و چشم‌انداز انقلاب" انقلاب مردم ایران را دیده است و اعلام میکند حزب کمونیست کارگری با تمام توان برای سازماندهی و هدایت آن میکوشد و آمادگی دارد. سند مذهب زدایی، اعلام میکند که بر بستر شکل‌گیری یک انقلاب ضد مذهبی، از همین الان و بویژه در فردای پیروزی لازمست مذهب و اثرات آن را از همه گوشه و کنار جامعه پاک کرد و جامعه انسانی فارغ از مذهب را سازمان داد. بیانیه مهم "حقوق جهانشمول انسان" انسانیت و انسانگرایی کمونیسم کارگری را به سندی زمینی و قابل اجرای فوری ترجمه کرده است. این سند در مقابل "سند حقوق بشر" نیم بند و آبکی بورژوازی که ظاهراً همه جا به آن استناد میشود، به قول ایرج فرزاد "اومانیسیم سوسیالیستی" و حقوق انکارناپذیر انسان را تدوین کرده است. این سند میگوید در جامعه‌ای که ما اداره‌اش میکنیم انسان و حقوق انسان نقطه عزیمت اول و آخر آن جامعه است. بیانیه "حقوق زنان" هم به این واقعیت اشاره دارد، که انقلابی که ما هدایتش میکنیم پیام‌آور بی‌قید و شرط آزادی زنان است. آزادی و رهایی زنان و تضمین حقوق برابر زن و مرد سرلوحه کار ما و جامعه آزاد انسانی است که بنیادش مینهم. و قطعنامه طبقه‌کارگر و قدرت سیاسی به سادگی فراخوانش به طبقه‌کارگر ایران است که سرنگونی جمهوری اسلامی در راه است و جابجایی قدرت در دستور کار جامعه است. طبقه کار پا به میدان بگذارد و قدرت را به نفع خود و انسانیت یکسره کند. بویژه که اکنون حزب طبقاتی خود، حزب کمونیست کارگری را دارد.

این اسناد به استقبال اوضاع متحول و انقلابی ایران می‌رود و آمادگی کامل حزب کمونیست کارگری را برای ایجاد تحولی عمیق در جامعه ایران اعلام میکند. وقتی کل کنگره را از ابتدا تا انتها، وقتی سخنرانها و مصوبات و دیگر تصمیمات آن را کنار هم قرار میدهم، آنوقت فکر میکنم توانستیم به درجه زیادی خلأ عدم

حضور منصور حکمت عزیز را کاهش دهیم. و همین اعتماد بنفس بالایی را به کل جنبش کمونیسم کارگری و صفوف حزب منتقل کرده است.

اسد نودینیان: از نظر شما پیام اصلی این کنگره به مردم چیست؟ و شما چه فراخوانی و یا توقعی از مردم دارید؟

رحمان حسین زاده: پیام این کنگره به طبقه کارگر و مردم ایران خیلی صریح، سراسر است و روشن است. اینکه حزب کمونیست کارگری با تمام توان، با پلانفرم و سیاست روشن و انسانی، با ظرفیت بالای اجتماعی، پراتیکی و سازمانی و قابلیت رهبری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و سازماندهی انقلاب مردم ایران در میدان است. بارها گفته‌ام و اکنون بیش از هر زمانی تاکید میکنم دیگر دوران گفتن این موضوع که "آلترناتیو نیست" به سرآمده و صریح بگویم تکرار آن بهانه و توجیهی بیش نیست. حزب کمونیست کارگری به مثابه نیروی آلترناتیو برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بنیاد نهادن جامعه‌ای آزاد و برابر و فارغ از ستم و نابرابری و پر از رفاه و شادی در صحنه است. دوران انتخاب وسیعتر این حزب است. در چند سال گذشته بخش قابل توجهی از آزادیخواهان و مردم ایران حزب را انتخاب کرده‌اند. اکنون زمان آنست در ابعاد میلیونی این حزب را انتخاب کنند. فراخوان من به کارگران، زنان، جوانان و همه مردم تشنه آزادی و رهایی اینست حول سیاستهای حزب کمونیست کارگری متحد و متشکل برای پایان دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه آزاد و برابر و انسانی، و استقرار جمهوری سوسیالیستی بکوشیم. ***

فاتح شیخ

قدرت، بسیج طبقه کارگر و به میدان آوردن نیرو و پتانسیل مردم برای بزرگشیدن جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی معطوفند. علاوه بر اینها سه سند دیگر: بیانیه حقوق جهانشمول انسان، بیانیه حقوق زنان و بیانیه در مورد مذهب زدایی از جامعه، پرچم توقعات بالای حزب ما برای استقرار میانی و شالوده های

ضروری آزادی و برابری و جازو کردن زباله مذهب از جامعه بودند. در این میان به نظر من بیانیه حقوق جهانشمول انسان ستاره دستاوردهای کنگره است.

این سند مهم و بیسابقه در تاریخ جنبش کمونیستی، میتواند ابزار دست کمونیستها و احزاب کمونیست کارگری در هر جای دنیا در عرصه دفاع از حقوق انسان باشد، میتواند آلترناتیو روشنی در برابر "اعلامیه حقوق بشر" باشد که حقوق انسان را به چارمیخ منافع طبقاتی بورژوازی و مالکیت بورژوازی بر هستی جامعه زنجیر کرده است. این بیانیه آزادی و برابری مردم، بیانیه سوسیالیسم و بازگرداندن اختیار به انسان است، فراخوانی با زبان ساده برای بازگرداندن حقوق و آزادیهای انسان به اوست. وقتی رفیق ایتالیایی ما در پیام به کنگره، عزم سازمان کمونیستی شان برای بنا کردن حزب کمونیست کارگری ایتالیا را اعلام کرد، فکر میکردم این رفقا علاوه بر "یک دنیای بهتر" که چند سال قبل به زبان ایتالیایی ترجمه و منتشر کرده اند، حالا از جمله میتوانند این سند را هم در قلمرو فعالیت خود به ابزار برای جدل سیاسی و فکری سوسیالیسم کارگری بر سر دفاع از حقوق جهانشمول و انکارناپذیر انسان بدل سازند و از این راه نیروی کارگران، انساندوستان و آزادیخواهان را به دور برنامه و اهداف و سیاست کمونیسم کارگری و حزب آن جمع کنند. برای ما و در ارتباط با اوضاع پرتحول ابران، برای حزب کمونیست کارگری عراق و در ارتباط با راه خروج از سناریوی سیاهی که سلطه جویی آمریکا، ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی و جنگ دو اردوی تروریسم و ارتجاع بر مردم عراق تحمیل کرده اند، به مراتب واضحتر است که بیانیه حقوق جهانشمول انسان چه ابزار مهم و کارسازي میتواند باشد. □

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

در باره جایگاه کنگره چهارم حزب

فضای متحول ایران و ضرورت جابجایی روشن به آن و عدم حضور منصور حکمت دو فاکتور مهم تأثیر گزار بر کنگره بودند. با توجه به این دو فاکتور کنگره چقدر جوابگو عمل کرده است؟



حسین مرادبیگی

مهمترین حادثه برای حزب کمونیست کارگری ایران در واقع مرگ ناپهنگام منصور حکمت

عزیز بود. منصور حکمت همه چیز حزب و در یک کلام لنگر حزب بود. جای منصور حکمت را نمیشد و نمیشود با هیچ چیز پر کرد، منصور حکمت بدون اغراق مارکس زمانه بود، ذهن و چشم و چراغ بشریت متمدن بود. بشریت متمدن بدون منصور حکمت واقعا یک سر و گردن کوتاه شد. بنابراین بعد از منصور حکمت سوال واقعی این بود که حزب کمونیست کارگری ایران چگونه روی پای خود میماند، چگونه راه منصور حکمت را ادامه میداد و چگونه کار میکند؟ تنها راه ممکن این بود که حزب کمونیست کارگری ایران یک حزب سیاسی همه جانبه و در عین حال فعال در صحنه سیاسی ایران باقی بماند، تا بتواند در غیاب منصور حکمت روی پای خودش بایستد. کنگره چهارم

آزمونی بود برای این ادعا و اثبات اینکه حزب کمونیست کارگری ایران، علیرغم هر افت و خیزی، دارد در این جهت گام برمیدارد. قبل از کنگره چهارم هرکس و بدرست از خود سوال میکرد که کنگره چهارم در غیاب منصور حکمت چگونه برگزار خواهد شد؟ همه کنگره چهارم را با کنگره سوم که منصور حکمت که آن را با درایت و روشن بینی سیاسی خاص خود رهبری میکرد مقایسه میکردند. از کیفیت مباحث سیاسی کنگره چهارم گرفته تا حفظ وحدت درونی حزب و اینکه آیا میتوان متحد از این کنگره بیرون رفت یا نه، سؤالاتی بود که ذهن همه شرکت کنندگان در این کنگره و حتی دنیای بیرون از حزب را نیز بخود مشغول کرده بود. نحوه برگزاری کنگره، از سازماندهی آن گرفته که به همت رفقای حزب بسیار عالی پیش رفت تا مباحث سیاسی و

حزب و تبدیل کردن آن به یک نیروی سیاسی قدرتمند و جدی در جامعه ایران تمرکز کند. کنگره تصمیم گرفت که حزب کمونیست کارگری ایران باید با تلاش بی وقفه و همه جانبه خود با تکیه به ابزارهای مدرن امروزی چون رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته و اینترنت و... تناسب قوا را به نفع جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران تغییر دهد و بمشابه یک نیروی جدی سرعت فضا را بر جمهوری اسلامی تنگتر کند و مردم را برای سرنگون کردن رژیم اسلامی و تدارک یک انقلاب سوسیالیستی در ایران سازمان دهد. کنگره چهارم در ادامه سیاست های تا کنونی حزب، متوجه تب و تاب سیاسی اجتماعی جامعه امروز ایران شد و نشان داد امیدواری به حزب بعنوان آلترناتیو مورد اعتماد مردم، بیش از پیش افزایش یافته است. با توجه به آن، بایستی فرصت را غنیمت شمرد و با شتاب هر چه بیشتر کارگران را برای پیوستن به حزب خود فراخواند و با اتکا به آن از منظر برنامه دنیای بهتر به کل جامعه نگاه کرد و با سازمان دادن نیروی انقلابی و حاضر در صحنه، سرنگونی رژیم اسلامی را تسریع نمود و راه را برای یک انقلاب اجتماعی قدرتمند نیز هموار ساخت. □

غلبه کرد و مدام بدون وقفه جلو رفت و این فرصت تاریخی پیش آمده را مغتنم شمرد و با تلاش روزمره خود مهر زندگی بهتر و واقعی را بر جهان معاصر کوبید و دنیای وارونه را به نفع انسان آزاده و متمدن تغییر داد. به نظر من کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران، نمونه موفق این اراده قاطع و این تصمیم گیری دگرگون کننده بود. تکیه کردن بر چنین سنتی، بی شک توان سیاسی ما را افزایش داده و شاخص های رویچلو ما را نیز تدقیق تر نموده که بدون آن، هیچوقت چنین فضایی سیاسی پر شور بر کنگره ممکن نبود و اندوه فقدان فیزیکی منصور حکمت نیز قابل تحمل نمی شد. تاثیر نقش و جایگاه کنگره از قبل توسط رهبری حزب پیش بینی شده و بلحاظ سیاسی، مالی، امنیتی و..... تدارک لازم و همه جانبه برای آن به عمل آمده بود. بنظر من کنگره توانست قطعنامه و بیانیه های مهمی را تصویب کند و کارهای پر حجم و هرکولی و هدفمند را در دستور گذارد. کنگره در پرتو مصوبات ارزشمند خود توانست به روشنی و اعتماد بنفس هر چه کاملتر بر اوضاع سیاسی ایران و مبارزات جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران، زنان و جوانان در ایران و تحکیم و گسترش موقعیت

قطعنامه و بیانیه های سیاسی آن تا پخش مستقیم جزئیات جدلهای سیاسی و تصمیمات درون این کنگره و حتی گفتگوهای حاشیه ای آن نشان داد که این کنگره جوابگوی موقعیتی بوده است که حزب کمونیست کارگری ایران در آن قرار دارد و جامعه از آن انتظار دارد. کنگره جواب سوالها و اما و اگرها را داد. مصوبه های این کنگره نشان داد که حزب و کنگره چهارم آن چقدر به دنیای خارج از خود و به تحولات سیاسی و فضای سیاسی متحول ایران مربوط و چفت شده است. مبحث اوضاع سیاسی و انقلاب، ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی، گرفتن قدرت سیاسی از طریق انقلابی که در راه و در حال شکل گرفتن است را در دستور جامعه قرار داد و اینکه حزب کمونیست کارگری ایران مستقما به سراغ انقلاب میروند و نیروی خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی از پائین و از طریق انقلاب بکار میاندازد و در مقابل هر نوع مداخلات کردنی با جمهوری اسلامی میایستد. بیانیه حقوق جهانشمول انسان برای همه انسانهای روی زمین همین امروز، در عین حال بعنوان پایه های حاکمیت سیاسی ای که حزب از طریق گرفتن قدرت سیاسی در جامعه ایران پی ریزی میکند، نشان داد که حزب ما و کنگره چهارم آن فضای سیاسی متحول ایران را مد نظر دارد و ما خود را برای گرفتن قدرت سیاسی آماده میکنیم. قطعنامه طبقه کارگر و انقلاب، میگوید طبقه کارگر باید متوجه اهمیت اوضاع خطرناک فعلی باشد و نیروی خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به کلیت نظام سرمایه داری وارد میدان کند. بیانیه مذهب زدانی جامعه ایران، کوتاه کردن دست مذهب بعنوان صنعت مذهب، بعنوان مافیائی که نمایندگان زمینی خود را دارد، حوزه اخاذی و قدرت مالی همراه با تحمیل حقیقتان و جهل و خرافه خود را دارد، در واقع بیان خواسته های یک جنبش قوی ضد مذهبی است که در ایران علیه جمهوری اسلامی و برای جارو کردن مذهب از حیات جامعه شکل گرفته و لرزه بر اندام جمهوری اسلامی، اسلام و مذهب انداخته است. بیانیه حقوق زنان نشان دهنده چفت شدن حزب کمونیست کارگری

ایران با رهائی زن در ایران و با نه گفتن به هر حقوق نیم بندی برای زن جز برابری کامل زن و مرد در این جامعه است. این بیانیه نشانه ارتباط تنگاتنگ ما با جنبش برابری طلبانه زن در ایران بعنوان یکی از جنبش های قوی علیه جمهوری اسلامی است. درون آن کنگره چهارم حزب آن، تا مصوبات و جدلهای سیاسی موقفیت بسیار بزرگی بود و بجزرات میتوان که ما جوابگوی اوضاع متحول سیاسی در ایران و بویژه عدم حضور منصور حکمت بودیم.

کمکهای مالی به کمیته کردستان

جمع آوری شده توسط خالد حاج محمدی

توفیق بیختری	۵۰۰ کرون
پرشنگبهرامی	۳۰۰ کرون
رزگار رضایی	۳۰۰ کرون
آذریویا	۵۰۰ کرون
شمسه حکیمی	۵۰۰ کرون
اسدوندینیان	۲۰۰ کرون
سلیمان قاسمیانی	۲۰۰ کرون
حسن صالحی	۲۰۰ کرون
شهاببهرامی	۵۰۰ کرون
پروانه احمدی	۲۰۰ کرون
نصرت سلیمی	۳۰۰ کرون
کریمشامحمدی	۵۰۰ کرون
کیوان کتابی	۲۳۰۰ کرون
سرداروحسبیهچوپانی	۱۰۰۰ کرون
گلاویزقادرزاد	۳۰۰ کرون
سعید اوپهنگ	۸۰۰ کرون
فرزادادیبی	۵۰۰ کرون
مجیدحسینی	۲۰۰ کرون
صادقزندی	۵۰۰ کرون
مهینعلیپور	۵۰۰ کرون
محمدقحاحی	۶۲۵ کرون
جمع شده در فنلاند	۱۸۹۰ کرون
بهمن خانی	۲۴۲۰ کرون
کاوش مهران	۵۰۰ کرون
سعید مدانلو	۲۰۰ دلار
کمک جمع آوری شده توسط محمد فضلی	۲۷۰۰ کرون
کمک جمع آوری شده توسط عبدالله داریبی	۳۰ پوند
نسریین خدادوست	۳۰ پوند
آزاد آزادی از آلمان	۱۱۰ یورو
مصطفی قادری	۱۰۰ یورو

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کنگره چهارم کنگره تاریخسازان بود



محمد فتاحی

کنگره دیگران؛

هیچ حزبی را ندیده‌ام که کنگره‌هایش را به دلایل متعددی مهم ارزیابی نکند. صرف نظر از اینکه آن حزب مربوط است به بقایای نظام سرنگون شده شاهی، یا یکی از هواداران ایجاد اصلاحاتی برای نجات رژیم اسلامی از مهلکه باشد. این را تمثیلی می‌گویم وگرنه نه سلطنتی‌ها کنگره‌ای دارند که حداقل آنجا شاشان را انتخاب کنند، و ادعای بزرگ داشته باشند، نه هواداران ایجاد اصلاحات در رژیم اسلامی ادعا میکنند کنگره‌شان برای اتخاذ تصمیمات تاریخی مهم بوده است. کنگره مهم‌ترین سازمان طیف دوم متعلق است به سازمان پر افتخار فدایی اکثریت است که امروز جلودار صف پر افتخارتر جمهوری خواهان ایران است. نباید از حق گذشت اینها دو کنگره تاریخی داشتند. یکی به دنبال سالها شریک شدن در جنایات حکومت اسلامی و قرار گرفتن به عنوان مشاور حجت‌الاسلام خلخالی، که در پایان کار که خودشان هم سرکوب شدند، کنگره گرفتند و به عنوان تاریخی ترین تصمیم اعلام کردند که از حمایت‌شان از رژیم اسلامی پشتیبانانند و در پیشگاه مردم اعلام کردند که غلط کرده بوده‌اند. کنگره مهم‌ترشان را مدتی قبل برگزار کردند به عنوان کنگره‌ای اضطراری و فوق‌العاد. اینها از ترس اینکه "اغتشاشات" شهرهای اصلی ایران ناگهان رژیم محبوبو رئیس جمهور منادی مردم‌سالاری اسلامی‌شان را به جای مناسبی منتقل کند، یک کنگره فوری گرفتند و در آن اعلام کردند که از این تاریخ به بعد از حمایت رژیم اسلامی و تقلا برای اصلاح و بقایش دست میکشند و برای

بار دوم در پیشگاه ملت توبه میکنند که از چفت شدن با یک پدیده منفور و سرتاپا جنایتکار در سیاست دست خواهند کشید. در این کنگره مهم این سازمان هم مثل قبل، ردیف اول صندلیها را کسانی اشغال کرده بودند که یا در جنگهای کردستان جلودار سپاه بودند، یا مستقیما در درگیریهای آمل زخمی شده بوده‌اند، یا تعداد قابل توجهی "ضدانقلاب" گروهک‌ها را تحویل جلا "قاطع" شان، خلخالی، داده بوده‌اند. با سرنگونی این رژیم، تمامی اینها شاکیان خصوصی دارند. سازمانهای نوع خودشان به عنوان اقدامی مهم برایشان اظهار موفقیت کردند و با هم عهد و پیمان بستند که در دور آتی تحولات ایران هوای هم را داشته و به شیوه دیگری، در قالب جمهوریخواهی و فدرالیسم قومی سراغ سنگربندی در مقابل مبارزه و انقلاب مردم بروند.

کنگره ما؛

اگر کسی بیاید کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری را با جمعیت و کنگره‌های این سازمانها و احزاب عمده رقیب مقایسه کند، همه حزبها را معترض می بیند به خاطر توهینی که به این شیوه به حزب شده است. اگر کسی در کنگره چهارم حزب ردیفهای مختلف را از نظر بگذراند، تعداد زیادی از مهم‌ترین شخصیت‌های تحولات سیاسی ایران در سالهای اخیر ایران را میتواند با دقت بشمارد، که در ورق به ورق صفحات تاریخ پیشرویهای مبارزه آزادخواهانه مردم اثر گذاشته‌اند. از تعداد کثیری از قهرمانان و سازماندهان و رهبران مبارزه و نبردهای بزرگ در کردستان که بگذرد، که به دلیل تعداد بسیار زیادشان، نمیدانم کدام را در اول و آخر بیاورم، و از چهره‌های متعدد ایستادگی و مقاومت در زندانهای دو رژیم پهلوی و اسلامی، تا تاریخ‌سازان سالهای اخیر، که در آن از قهرمانان کنفرانس برلین، آذر مدرسی و مینا احدی ستاره‌های آن کنفرانس تاریخی علاقمند اسم ببرم، که همراه دهها کادر دیگر حزب در آن واقعه مهم تاریخ ساختند، از ستاره بحثهای خلاف جریان در تلویزیونهای لس‌آنجلس، علی جوادی تا فاتحین توانای سالهای اخیر شهرهای سنجند و مریوان، مظفر محمدی و عبدالنهاد عربی و مجید حسینی و اعضای علنی واحدهای‌شان، از صفی طولانی‌تر سخنرانان کنفرانس مطبوعاتی و تظاهرات اسلو، از ملکه عزتی بود که در تمام طول کنگره، به شوخی، به خاطر آن

کلاه و پالتوی جالبش در صفحات تلویزیون و روزنامه‌ها "اسکارت" خطابش میکردم، تا مرسده قانلی و داریوش نیکنام و بویژه سارا محمد و هلاله طاهری این گل‌زن‌های بسیار ماهر درون کنفرانس مطبوعاتی شیرین عبادی و ستاره‌های بحثهای جنجالی در مدیای سوئد، تا صفی طویل از رهبران حزب، امثال آذر ماجدی که خودش میگفت اولین بار بوده در آن سطح علنی می شده است، تا چهره دیگر میدیای سوئد امثال پروین کابلی که در کنگره به عضویت کمیته مرکزی حزب هم انتخاب شد، و لیستی از رهبران و کادریهای حزب در جریان کنفرانس مطبوعاتی و تظاهرات اسلو، که اگر بشمارم باید یک صفحه را از اسامی شان پر کنم. از ناهید ریاضی چهره مشهور بحثهای خلاف جریان در میدیای دانمارک و عضو رهبری انجمن قلم این کشور، تا چهره‌های دیگر مثل او مشهور در سوئد که بسیار زیادند، تا امثال امید خدابخشی نمونه تیبیک از کادریهای لایق سازمان جوانان، تا بهرام مدرسی دبیر توانای سازمان جوانان کمونیستی که ۱۶ آذر امسال در تهران به جمهوری اسلامی گل زدند، تا سردبیر محبوبترین و جذابترین نشریه جوانان چپ و کمونیست مصطفی صابر، از دبیر تنها رادیوی خلاف جریان در ایران، صدای کارگران و معلمان و جوانان و زنان و مردمان آزاده سیواش دانشور، از پرشورترین مدافعان حقوق کودکان امثال اسماعیل مولودی و سلیمان قاسمبانی و کریم شاه محمدی و دیگران در شمال اروپا، از مدافعین میلیتانت تیمهای همراش بویژه کیوان جاوید و خلیلهای دیگر در بزرگترین سازمان پناهندگی، فدراسیون پناهندگان، از مدافعین پرشور حقوق زنان و رهبران و مسئولین سازمان آزادی زن در کشورهای متعدد اروپا و شمال آمریکا که صف طولانی اسامی‌شان برای حتی خود آذر ماجدی فکر نمیکنم قابل شمارش باشد، تا سردبیر نشریه‌اش مهرنوش موسوی، از اعظم کم گوینان نویسنده کتابهای ضد اسلامی و عضو حاضر در پانل مشهورترین مجامع سکولار اروپا و آمریکا، تا نویسندگان متعدد و غیرقابل شمار نشریات حزبی و غیر حزبی به زبانهای فارسی و کردی و ترکی و عربی و سوئدی و دانمارکی و آلمانی و انگلیسی، تا مسئولین رادیوهای متعدد محلی در کشورهای

مختلف که مداوما راه پیشرویهای مردم را صافتر میکنند، اینها و خلیلهای دیگر که به دلایل متعدد من خبر ندارم، این شخصیتها و انسانهای بزرگ ردیفهای صندلیهای کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری را اشغال کرده بودند. حالا کسی بیاید و از این همه انسان عظیم انتخاب کند که کدامیک در کمیته مرکزی برود. کسی بیاید و رئیس جلسه در کنگره شود و انتخاب کند که به چه کسی باید نوبت اول بدهد، و کسی بیاید تعیین کند کار و پروژه کدامیک مهمتر و در اولویت است. و مهمترین کار در میان اینهمه مردمان مهم با پروژه‌های مهمتر این است که کسی بیاید و اینها و پروژه همشان را در یک پروژه بزرگتر جای دهد، رهبری کند، و خود اینهمه انسان بزرگ را در کنار هم، برای پیشبرد اینهمه پروژه متحد کند. این کار عظیم را در کنگره قبلی منصور حکمت کرد. در این کنگره اما، کوروش مدرسی و حمید تقوایی کردند، و از نظر من، در میان اینهمه بازیکن لایق میدان سیاست در ایران امروز، جالبترین کلهای کنگره را اینها زدند. در خاتمه کنگره وقتی اولی اعلام کرد که در دور آتی رهبری حزب، جایش را به دومی می سپارد، کنگره غرق در غرور این انسان بزرگ شد و ابراز احساسات کرد. آنگاه حمید تقوایی پشت تریبون رفت و از طرف کنگره از کوروش به خاطر کار عظیمش در رهبری حزب قدردانی کرد. این صحنه یکبار دیگر در پلنوم بعداز کنگره که کوروش اعلام کرد حمید کاندید او برای لیدری حزب است، تکرار شد و لیدر جدید به اتفاق آرای کمیته مرکزی انتخاب شد. حمید تقوایی در سخنرانی جالبش در اختتامیه، آمادگی حزب برای رهبری انقلاب در دستور مردم ایران را اعلام کرد و گفت نسل جوان امروز در ایران کاری میکند که حساب نسلهای قبلی‌تر خود، حساب پدر و مادر بزرگان در دوره‌های تاریخی قبل ایران را پاک کند. کنگره حزب با مصوباتش اعلام کرد که آماده روبرو شدن با وظایف یک انقلاب است. آماده است اسلام و خدا را از زمین سیاست در ایران چارو کند، به بی حقوقی زن پایان دهد و برابری مطلق زن و مرد را قانون جامعه کند. اعلام کرد که به فقر و تبعیض و بی عدالتی، به جهنم زندگی، به فلاکت میلیونی، به خفقان و استبداد برای همیشه پایان خواهد

درد بر سازندگان تاریخ پر افتخار آزادی و برابری، و زنده باد مارکس این دوره، منصور حکمت!

جایگاه کنگره چهارم در صحنه سیاست ایران



عبدالله شریفی

در برگزاری کنگره، برگزاری کنگره حزبی بزرگ و قوی و با پتانسیل بالا، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ تدارک و حفاظت را در سطحی بالا ممکن ساخت.

کنگره چهارم، با کمبودی بزرگ و غیر قابل اجتناب رو برو بود. این کنگره، اولین کنگره ای بود که متأسفانه منصور حکمت، رهبر بزرگ کمونیسم کارگری در آن حضور فیزیکی نداشت. این ضایعه بزرگ به حق، جای نگرانی بود. برگزاری کنگره حزب منصور حکمت در غیاب او بخشی از پروسه تند پیچ دردناک فقدان منصور حکمت عزیز، برای کل حزب و جنبش کمونیسم کارگری بود. میبایست بر گزاری این کنگره طوری میشد که خوشبختانه شد، که شایسته نام و احترام عمیق به منصور حکمت باشد، این اتفاق افتاد، صدها کادر کمونیست در این کنگره به مهمترین مسائل پیشرویی جامعه، در نهایت شور و شوق و احساس مسولیت پرداختند. بی شک نقش رهبران با ارزشی چون کورش مدرسی و حمید تقوایی در کنگره این سربلندی و موفقیت را تضمین کرد.

کمبود دیگری که مشهود بود، این بود که متأسفانه کنگره در تهران برگزار نشد. بقی عمر ننگین رژیم اسلامی، استبداد و اختناق حاکم بر جامعه ایران، هزاران کارگر و زن و جوان کمونیست و آزادیخواه را در شرکت و تاثیرگذاری مستقیم تر محروم کرد. باشد که ترفیع این کمبود را به تاریخ و پراتیک اجتماعی میلیونها انسان پیا خواسته علیه نظام اسلامی بسپاریم، به امید اینکه کنگره آتی، کنگره حزب در قدرت باشد، و در تهران برگزار شود.

ما از اول گفته بودیم که کنگره چهارم اتفاق سیاسی مهمی در صحنه سیاست ایران است. این گفتار نه تهییج بود و نه چیز دیگری غیر از بیان واقعیت انکار ناپذیر فضای سیاسی ایران. زیرا که فضای سیاسی ایران، رو در روی مردم ایران با رژیم اسلامی، با سپری کردن خرداد و تیر، با عبور از ترندهایی نظیر رفتارندوم و جایزه نوبل، با به شکست کشاندن دوم خرداد و... به چنان درجه از بلوغ رسیده است که همه دارند امیدها و نامیدهای خود را در رابطه با انقلابی که در راه



محمد آستگر

است بیان میکنند. همه از احتمال تحولات بنیادی در جامعه ایران سخن میگویند. همه از امکان رنساس بزرگ قرن بیست و یکم در ایران میگویند. حتی ژورنالیست ها و شرق شناسان دریاری هم از "خطر" انقلاب از جوشش جامعه جوان ایران به اربابانشان هشدار میدهند. این فضای سیاسی، این خروش ضد مذهبی و سکولار، این تمایل و آرزوی انسانی برای آزادی و برابری، در کنگره حزب کمونیست کارگری، در کنگره حزبی که خواست اکثریت مردم را نمایندگی میکند با برجستگی خاص نمایندگی شد. کنگره بدرستی از انقلابی که در راه است استقبال کرد. کنگره حزب را برای شکل دادن و رهبری انقلاب مردم نه تنها برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی بلکه تحقق جامعه ای فرا خواند. کنگره حزب را بار دیگر به مرکز جدال برای تصرف قدرت سیاسی سوق داد. کنگره خود را به جغرافیای ایران محدود نکرد. پرچم حقوق انسان را در مقابل حقوق بشر و "آزادی فردی" فردی، در دفاع از انسانیت بر افراشت. کنگره تربیون حزب کمونیست کارگری و میلیونها انسان تشنه آزادی و رفاه شد. هیچ تاریخ نویسی نمی تواند با نادیده گرفتن این حقیقت در باره کنگره چهارم ما قلم بزند.

گفتیم ما کنگره اتحاد و انسجام برگزار میکنیم. مخالفین ما زهرخند شادی بر لبانشان نقش بست و منتظر شقه شقه شدن ما بودند. منتظر بودند که تحلیل های آبکیشان در مورد حزب بعداز منصور حکمت به واقعیت بدل شود. خیز برداشته بودند تا موج حملات دیگری علیه رادیکالیسم و انقلاب و آزادی و سعادت خواهی و... را شروع کنند. این جماعت کور خواندند. اینها هنوز جنبش و حزب کمونیست کارگری را نشناخته اند. یا به عبارت دیگر نمیخواهند بشناسند. حزب سیاسی که با آرمانهای عظیم و بلند پروازیهای انسانی پا به صحنه سیاست گذاشته باشد. حزبی که خود را نماینده اکثریت جامعه بداند. حزبی که خود بخش پیشرو طبقه کارگر است. می بایست در این دوره از همیشه متحدتر باشد. به جامعه ایران نگاه کنید. دانشجو تظاهرات میکند و شعار حمایت از کارگر اعتصابی، شعار اتحاد مبارزاتی با کارگر پتروشیمی را بر می افرازد. کارگر برای گرفتن دستمزد به تعویق افتاده خود به خیابان

آتی و تصرف قدرت، تأکید مجدد کرد. کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران اولین کنگره ای بود که در شرایط فقدان منصور حکمت برگزار شد. منصور حکمت در این کنگره اما به شکل بارزی نمایندگی شد. اساس و جوهر موفقیت این کنگره عروج حزب به موقعیت رهبر انقلاب آتی مردم ایران، شرایط و ملزومات پیروزی آن بود. این موفقیت عظیم با هوشیاری و درایت سیاسی بالای رهبری حزب و کادراهی آن مقصور شد.

کنگره چهارم، بعد از منصور حکمت، حزب را روی پای خود قرار داد. در حقیقت این یک تولد دیگری برای حزب بود. اتحاد و قدرت حزب بر مبنای سیاستهای رادیکال آن صورت گرفت. کنگره چهارم با تصویب قطعنامه های مهم و تشخیص شرایط انقلابی ایران امید و تصمیم برای پیروزی انقلاب آتی ایران بود. پیام اصلی کنگره هم به مردم و هم به صفوف خود حزب این بود که یک انقلاب زیرو روکننده در ایران به وقوع میبوسند، پیروزی این انقلاب بدون رهبری کمونیستها ممکن نیست. تنها جریان متشکل رادیکال و قدرتمند عرصه سیاست ایران اکنون حزب کمونیست کارگری است. وجود و حضور حزب کمونیست کارگری، فاکتور اصلی انقلاب آتی مردم ایران برای به زیر کشیدن نظام و تصرف قدرت سیاسی است. تقویت این حزب، تقویت انقلاب و تقویت جنبش آزادی و برابری است. پیروزی انقلاب آتی و چپ جامعه، پیروزی طبقه کارگر ایران، به نقش تعیین کننده این حزب گره خورده است. حزب کمونیست کارگری با اتکا به نیروی اجتماعی وسیع، توده های معترض و با اتکا، به جنبشی که در رأس آن قرار دارد میکوشد که رژیم اسلامی را ساقط و قدرت سیاسی را در ایران تصرف کند.

همینجا من از همه فعالین و رهبران عملی، از همه کسانی که آرزوی یک زندگی بهتر را دارند، از همه کسانی که خواهان یک زندگی شاد و آزاد هستند، از همه کسانی که به شرایط زندگی موجود اعتراض دارند، میخواهم در ایران و برپایی یک جامعه شایسته انسان حزب کمونیست کارگری را حزب خودشان بدانند و حزب را از آن خود کنند. این نزدیکترین و عملیترین راه تقویت جبهه آزادی و رهایی انسان است.





اسد نودینیان

پیام این کنگره به مردم در ایران چیست، و توقع و فراخوان شما به مردم در ایران؟

قبل از هر چیز لازم می دانم یادآور شوم که کنگره ۴ در شرایط ویژه ای برگزار گردید، اشاره به این شرایط خود می تواند معنا و مفهوم پیام کنگره ما را به مردم در ایران از آن گرفت. اوضاع پر تحول سیاسی ایران حضور و نقش فعال کارگران در مبارزاتشان، ۱۶ آذر و حضور پر قدرت چپ و کمونیزم کارگری و بلند کردن شعار آزادی برابری و دفاع از مبارزات کارگران در این حرکت در تداوم حرکات اعتراضی خرداد تا تیر امسال، نقش فعال حزب کمونیست کارگری در این اعتراضات، موفقیت در رسوا کردن دادن جایزه صلح نوبل به شریح عبادی و انعکاس بین المللی این حرکت و در یک کلام صدا و ندای انقلاب مردم ایران به این کنگره جایگاه ویژه ای داد. بنظم کنگره ما این پیام را از مردم

ایران شنید و کنگره، کنگره جواب به این پیام بود، کنگره، کنگره انقلاب و نشان دادن عزم و اراده حزب ما برای رهبری و به سرانجام رساندن انقلاب مردم ایران بود. کنگره ما به مردم ایران این پیام را داد که همراه با شما قلبان برای خلاصی از نکتت اسلام سیاسی و رهائی و برابری میباید و همگام با شما برای هدایت و به پیروزی رساندن و در گام اول سرنگونی رژیم اسلام برنامه و نقش خود را در این کنگره به

اطلاع مردم ایران رساند. بعلاوه کنگره ما به این مساله که آترناتیو رژیم اسلامی کیست جواب داد به مردم ایران نشان داد که حزب کمونیست کارگری ایران تنها آترناتیو پیگیر و انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلام و بنای یک جامعه انسانی بر ویرانه های بعد از آن است. مصوبات و قطعنامه های این کنگره در راستای جوابگویی به این اوضاع بود. انتظار و توقع من از کارگران، جوانان و زنان و مردم به تنگ آمده از رژیم اسلامی و اسلام شنید و همانگونه که اشاره کردم کنگره ۴ کنگره انقلاب ایران بود. به دور حزب کمونیست کارگری و سیاستهای آن جمع شوید. حزب کمونیست کارگری تنها آترناتیو انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی و انقلاب آتی ایران است. □

به اعضا و فعالین و دوستداران حزب در شهرهای کردستان



رفقای عزیز!

کنگره ۴ حزب ما موفقیت برگزار شد. امیدوارم تعداد هر چه بیشتر از شما توانسته باشید همراه هزاران نفر دیگر که مستقیم مباحثات کنگره را تعقیب کردند در جریان کل سخنرانیها و مباحثات کنگره و سرانجام مصوبات آن قرار گرفته باشید. جای همگی شما و هزاران کمونیستی که فراز و نشیهای تا کنونی حزب را تعقیب کرده اند و با اشتیاق منتظر نتایج کنگره بودند خالی بود. شخصا از ۲ ماه قبل از کنگره در جریان بحثهای شما و تلاشتان برای دخالت در مباحثات کنگره، تلاشتان برای دخالت و تاثیر گذاری بر جهتی که حزب ما میبایست در پیش بگیرد و به مسائل فراروی جواب شایسته بدهد بودم. خوشبختانه با تمام فیلترهای پلیسی که جمهوری اسلامی گذاشته بود تعدادی از شما توانستید به شیوههای مختلف در مباحثات کنگره ۴ حزب دخالت کنید. لازم میدانم به اطلاع برسانم که نامه و نظرات شما در مورد کنگره چهارم همگی در اختیار رهبری حزب قرار گرفت و همزمان هم روی سایت روزنه رفت و هم در ایسکرای ۱۸۹ به چاپ رسید. شخصا در طول ۲۵ سال گذشته

این اولین بار بود که میدیدم اعضا و کادرهای حزب و نه تنها آنها بلکه طیفی از انسانهای کمونیست و رادیکالی که حتی بخشا با حزب ما فاصله هایی احساس میکنند، تلاش کردند در مباحثات کنگره حزب دخالت کنند و نسبت به آن با حساسیت و جدیت برخورد کردند. اجازه بدهید به این مناسبت به همگی شما درود بفرستم.

تقریبا در تمام نامه و پیامهایی که برای کنگره آمده بود بدست به ۲ ویژگی مهمی که به این کنگره جایگاه خاصی میداد اشاره رفته بود. اول فقدان منصور حکمت عزیز و دوم شرایط خطیر سیاسی جامعه ایران که هر دو به کنگره حزب جایگاه ویژه ای میداد. دوست دارم به عنوان یکی از نمایندگان که افتخار شرکت در این کنگره را دارم و از نزدیک شاهد آن بودم به هردوی این ویژه گیها و نقش و تاثیر آنان در کنگره چهارم اشاره ای داشته باشم.

برای همگی ما رفتن پای برگزاری کنگره ۴ در فقدان منصور حکمت عزیز کار سختی بود. منصور حکمت نه تنها بنیانگذار، نظریه پرداز، رهبر، پراتیسین و بزرگترین سیاستمدار مارکسیسم معاصر بود بلکه چشم و گوش همه ما بود. برگزاری کنگره چهارم حزب در غیاب حضور فیزیکی منصور حکمت، هم از نظر عاطفی و هم از نظر سیاسی کار بسیار سنگینی بود. اما حقیقتا در این کنگره در تمام لحظات آن از سازماندانان برگزاری کنگره و تدارک دیدن آن تا شیوه برگزاری و تا سخنرانیها و مباحثات و کلیه مصوبات آن، تجارب بجا مانده از منصور حکمت عملا حضور داشت. کنگره چهارم با تمام مصوبات خود با تمام روشنی و شفافیت بحثهایش و با آمادگی و اعتماد بنفس کادرها و اعضایش، با علنیت و با شرکت صدها نماینده و مهمان نشان میداد که کنگره منصور حکمت است. ضمنا بدنبال بحث افتتاحیه کنگره که از جانب رفیق کورش مدرسی ارائه شد برنامه ای در تجلیل از منصور حکمت داشتیم که در این بخش فیلم سخنرانی تاریخی منصور حکمت را که در کنگره ۳ ارائه کرده بود را با هم گوش دادیم. احساس میکردی نه در کنگره سوم بلکه در همین کنگره چهارم و برای اوضاع امروز

سخنرانی میکند. بدنبال حمید تقوایی در تجلیل از نادر سخنرانی پرشوری داشت که در آن اشاره کرد که "منصور حکمت زنده است و زنده خواهد بود زیرا که بشریت برای راهی از اسارت و بندگی و فقر و مشقت و برای انقلاب علیه اوضاع موجود به او نیاز دارد". واقعیت این است فقدان منصور حکمت را نمیتوان جبران کرد و نمیتوان او را جایگزین کرد، این بر همگی ما روشن بوده است. برای ما مهم این بود که کنگره حزب نشان داد، علیرغم فقدان نادر حزب کمونیست کارگری ایران کماکان پیشتاز، کماکان رادیکال و کماکان سیاستهای منصور حکمت را پیش میبرد و میتواند با افتخار بگوید که حزب منصور حکمت است و خواهد بود.

هم در نامه های شما به روشنی اشاره شده بود و هم واقعیات عینی جامعه ایران به خوبی نشان میدهد که جامعه ایران آستن تحولات سریع و جلی است. صدای انقلاب مردم را میتوان از اعتراض هر روزه آنان و از خواست و مطالباتشان شنید. کنگره چهارم میبایست به این حقیقت جواب میداد و میبایست تلاش میکرد که حزب را در جهتی سوق دهد که به پیشواز این شرایط حساس برود. کنگره میبایست کاری میکرد که حزب با آمادگی کافی و با سطح بالایی از انسجام و شفافیت و اشتیاق به پیشواز این شرایط میرفت. کنگره میبایست کاری میکرد که حزب با آمادگی کامل به این جهت میرفت که سکان اعتراض مردم را تا سرنگونی کامل جمهوری اسلامی از طریق انقلابی تودای و رادیکال بدست گرفته و هدایت میکرد. به این اعتبار کنگره ۴ میبایست جواب تحولات عمیق و انقلاب مردم را میداد و همین کار را نیز با افتخار به سرانجام رساند. کل مباحثات کنگره، کل قرازاها و بیانیه ها و مصوبات کنگره گواه این ادعاست. کنگره حزب با تاکید بر جایگاه مهم حزب در جامعه ایران، با تاکید بر رشد رادیکالیسم جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، تلاش کرد حلقه های بعدی راهی که حزب کمونیست کارگری میبایست بسیماید تا بتواند این جنبش را رهبری کند و با بزیر کشیدن

عبدالله شریفی

نظر در سنت ما کمونیستهای کارگری، در گوش هم پیچ نمی شود. اختلاف نظر باید در حیطی وسیع نظیر حزب ما، باشد تا رشد کند. جدل نظری بخشی از مبارزه ما کمونیستها در مقابل آرا و افکار ارتجاعی و غیر کارگری فهمیده میشود. اگر جدل نظری نبود اینهمه قرار و قطعنامه و مصوبه و نشریات و جمع بندی تجارب مبارزاتی هم نبود. در سنت ما کسی از اختلافات نظری بلافاصله شقه شقه شدن را استنتاج نمی کند. بعد از این همه سال کسی نمی تواند ما را با چپ حاشیه ای عوضی بگیرد. به اختلافات این چپ بنگیرید. سر کلمه به هم گیر میدهند. سر مقوله دهها گروه و نهاد میسازند و ملغا میکنند. قهر و آشتی و نشتهای بی نتیجه سر اتحادشان با یک جمله دود میشود و هوا میرود. و...

کنگره نه کنگره اختلافات سیاسی بلکه کنگره اتحاد سیاسی بود.

به اعضا و فعالین و دوستداران حزب

(ادامه از صفحه ۶)

جمهوری اسلامی بنای جامعه‌ای آزاد و برابر را بنیان نهاد را روشن نماید. کورش مدرسی در سخنرانی افتتاحیه خود اظهار داشت منصور حکمت در کنگره قبل گفت سال گذشته سال حزب کمونیست کارگری بود. من میگویم همین امسال گذشته هم سال حزب کمونیست کارگری بود... تظاهرات ۲۰ خرداد و تیر نشان داد سال حزب کمونیست کارگری بود. سخنرانی مظفر محمدی در میان مردم سنندج نشان داد که سال حزب کمونیست کارگری بود. تظاهرات ۱۶ آذر همین هفته پیش در شهرهای ایران نشان داد سال حزب کمونیست کارگری بود. و بالاخره تظاهرات اسلو نشان داد که سال حزب کمونیست کارگری بود. بسیاری از شما نیز در اظهار نظرات خود بر جایگاه ویژه حزب اشاره کرده بودید. کنگره نیز بر اهمیت نقشی که حزب میتواند داشته باشد و بر جایگاه منحصریفرده حزب تاکید کرد و با تاکید بر این موقعیت خطوط سیاست حزب را برای رهبری انقلاب ایران و کسب قدرت سیاسی ترسیم کرد. کنگره چهارم مهمترین مسائلی که میبایست حزب به آنان جواب دهد و در راس آن انقلاب مردم ایران و تلاش حزب برای رهبری و به سرانجام رساندن موفقیت آمیز آن را مورد بررسی قرار داد. بحثهای کنگره که عبارت بودند از اوضاع سیاسی ایران، خاورمیانه و جنگ دو اردوی تروریسم، حقوق جهانشمول انسان، مذهب‌دانی از جامعه، طبقه کارگر و انقلاب و حقوق زنان، همگی با دخالت فعال نمایندگان پیش رفت. چند قطعنامه و بیانیه از جمله "اوضاع سیاسی ایران و چشم‌انداز انقلاب"، بیانیه حقوق جهانشمول انسان، بیانیه در مورد مذهب زدایی از جامعه و بیانیه حقوق زنان به اتفاق آرا به تصویب رسید. بخشی از قطعنامه‌ها که لازم بود اصلاحاتی در آنها وارد شود بدلیل کمبود وقت به کمیته مرکزی منتخب کنگره واگذار شد.

رفقای عزیز! این کنگره چهارم حزب با موفقیت با انسجام و اعتماد بنفس بالایی به پایان

رسید. همچنانکه در اول اشاره کردم این کنگره اولین کنگره حزب بود که نادر عزیز در آن شرکت نداشت و به همین دلیل جایگاه ویژه‌ای داشت. کنگره چهارم با تمام مباحثات و مصوباتش نشان داد که این حزب حزب منصور حکمت است و خواهد ماند.

رفقا! اکنون با پشت سر گذاشتن این کنگره، حزب در موقعیت به مراتب مناسبتری از گذشته گرفته‌است. خود کنگره پروژه سیاسی بسیار مهمی برای حزب بود. بعد از درگذشت نادر بسیاری فکر میکردند و آرزو داشتند که این حزب نتواند انسجام خود را حفظ کند. کنگره چهارم نشان داد که حزب کمونیست کارگری محکمتر و سیاسی‌تر از آن است که فکرش را کرد. کنگره‌های علنی، بزرگ، پر از شور و شوق و اشتیاق با مصوبات مهم و جدی که خود سکوی پرشی بود برای جلو رفتن بیشتر حزب. موقعیت ما اکنون به مراتب بهتر و مناسبتر از قبل از کنگره است و در همان حال کنگره وظایف بسیار سنگینی را بر دوش همه ما گذاشته است. برای اولین بار در تاریخ صد ساله گذشته، بعد از انقلاب اکتبر امکان و فرجه‌ای برای ما فراهم شده است تا برای یکبار هم شده قدرت را به صاحبان آن بازگردانیم و به فقر و فلاکت و بی‌حرمتی به انسان خاتمه دهیم. این امکان را نباید از دست داد. این کار ممکن است و از عهده حزب منصور حکمت بر خواهد آمد. برای این کار بزرگ و شیرین باید همگی ما آستینها را بالا بزنیم. در خاتمه اینجا از تمام رفقای که در این چند روز به مناسبت پایان موفقیت آمیز کنگره ۴ نامه و پیام تبرک فرستاده‌اند صمیمانه تشکر میکنم. دست همگی شما را صمیمان می‌فشارم و برای همگی آرزوی موفقیت دارم.

خالد حاج محمدی

مسئول تشکیلات

شهرهای کردستان

۲ دی ۱۳۸۲

۲۳ دسامبر ۲۰۰۳

مراسم گرامیداشت تهمورث فرزاد در سنندج



تسلیت

ایرج عزیز!
رفقای عزیز که یان و منصور فرزاد!

مرگ نابهنگام برادر بزرگ و عزیزمان تهمورث فرزاد بسیار تأسف بار بود. فکر میکنم ۲ سال قبل و فقط برای چند ساعتی شانس آشنایی از نزدیک با وی را پیدا کردم. انسانی مترقی، شریف و بسیار دوست داشتنی را دیدار کردم که یاد او فراموش نشدنی است.

از جانب تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به شما رفقای عزیز و کل خانواده و بستگان تهمورث عزیز تسلیت میگویم. ما را در ضایعه از دست دادن وی شریک خود بدانید.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲-۱۲-۲۰۰۳

گرامی داشتند. در این روز از طرف جمع وسیعی از دوستان ایرج فرزاد تاج گلی تهیه شد و آن را بر مزار او گذاشتند. بعلاوه در همین روز اطلاعیه‌ای در سطح شهر سنندج به یاد تهمورث پخش شد. این اطلاعیه به نام جمعی از دوستان ایرج فرزاد امضا شده بود و در آن یاد او گرامی داشته شده بود. همچنین پلاکاردهایی به این مناسبت تهیه شده بود که در مراسم یاد بود او قابل مشاهده بود.

به سهم خود درگذشت تهمورث فرزاد را به مردم سنندج نیز تسلیت میگویم و از همه کسانی که با شرکت وسیع خود مراسمی در شان این عزیز محبوب مردم برگزار کردند تشکر میکنم.

خالد حاج محمدی

روز دوشنبه اول دیماه به مناسبت گرامیداشت تهمورث فرزاد از جانب دوستان و آشنایان و بستگان او و خانواده اش، مراسم یادبودی ترتیب داده شد. تهمورث فرزاد برادر رفقا ایرج، منصور و کیومرث (که یان) فرزاد، چهره محبوب و دوست داشتنی در شهر سنندج در تاریخ ۲۷ آذر ما بر اثر سکت و سنکوب قلبی در گذشت.

در این مدت گروه گروه مردم مبارز شهر سنندج به مدت چند روز متوالی با تجمع در محل گرامیداشت او با بستگان و دوستان تهمورث ابراز همدردی کردند و بدینوسیله تحمل بار سنگین اندوه فقدان او را سبک کردند. روز دوشنبه اول دیماه هزاران نفر از مردم مبارز سنندج در مراسم او شرکت کردند و بدینصورت یاد عزیزش را

تشکر و سپاس

در مرگ برادرم تهمورث فرزاد، تعداد بسیار زیادی، چه رفقای حزبی و چه غیر آن، با ما اظهار همدردی کردند، از سنندج و خارج کشور به ما تلفن کردند، به دیدارمان آمدند، برایمان پیام فرستادند و به اشکال مختلف در سبک کردن بار اندوه از دست رفتن تهمورث واقعا به ما کمک کردند. در شرایط سلطه رژیم نکت اسلامی، ما امکان و فرصت شرکت در خاکسپاری و بزرگداشت عزیزمان را در سنندج نداشتیم، در مقابل تعداد فوق العاده زیادی از دوستان تهمورث، از آشنایان شخصی من و دیگر برادران تهمورث، بسیاری از افرادی که خانواده ما را میشناسند، به نیابت از ما و از طرف ما در مراسم تشییع جنازه و روزهای یادبود او صمیمانه شرکت کردند، از جانب ما سبد گل تهیه کردند و پیام تشکر به مردم دادند. لازم میدانم از همه این عزیزان صمیمانه و قلبا تشکر کنم و فرصتی که دست دهد با شرکت در جشن و شادی آنها این محبتها را جبران کنم. امیدوارم مرگ انسانهای عزیزی چون تهمورث بتواند انگیزه‌ای باشد تا از نوع این انسانها، در دوره حیاتشان قدرانی کنیم و نقش و جایگاه ارزشهای والای انسانی را گرامی بداریم و به طور جمعی و با حضور انسانهای شریف سازنده زندگی، مسیر ارتقا بشریت و مقام عظیم انسان را هموارتر و ارج بگذاریم.

نه فرصت و نه امکان این را ندارم که به تک تک محبتها و جوش عاطفی نسبت به خود و خانواده ام پاسخگو باشم. بار دیگر با تمام وجودم از این انسانیت و درخشش عظمت عاطفه همبستگی و همدردی انسانی تشکر میکنم.

ایرج فرزاد

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد

در روزهای دوازدهم و سیزدهم دسامبر کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران در آلمان برگزار شد. کنگره علنی برگزار شد و شرکت در آن برای عموم آزاد بود. بعلاوه جلسات کنگره بطور زنده از اینترنت پخش میشد و چندین هزار نفر آنرا مستقیماً از تلویزیون اینترنتی روزنه دنبال میکردند. در این کنگره صدها نماینده و ناظر و مهمان شرکت داشتند و در فضایی پرشور و شفاف و فعال به بحث در مورد جوانب مختلف نقش و جایگاه و آینده حزب پرداختند. این کنگره در واقع کنگره منصور حکمت و انقلاب بود. کنگره میخواست و فعالانه تلاش کرد که حزب را برای بدست گرفتن سکان رهبری انقلاب علیه جمهوری اسلامی و علیه اوضاع موجود در ایران آماده کند. انقلاب تم اصلی بحثهای کنگره بود و منصور حکمت گرچه در کنگره نبود اما همه جا حضور و نقش و تاثیرش در بحثها احساس میشد. کوروش مدرسی لیبر حزب کنگره را با یک سخنرانی افتتاح کرد. او در سخنانش اظهار داشت "منصور حکمت در کنگره قبل گفت سال گذشته سال حزب کمونیست کارگری بود. من میگویم همین سال گذشته هم سال حزب کمونیست کارگری بود... تظاهرات ۲۰ خرداد و تیر نشان داد که سال سال حزب کمونیست کارگری بود. سخنرانی مظفر محمدی در میان مردم سندانج نشان داد که سال سال حزب کمونیست کارگری بود. تظاهرات ۱۶ آذر همین هفته پیش در شهرهای ایران نشان داد سال سال حزب کمونیست کارگری بود. و بالاخره تظاهرات اسلو نشان داد که سال سال حزب کمونیست کارگری بود". بخشی از کنگره به بزرگداشت منصور حکمت اختصاص یافت و حاضرین با مشاهده فیلم سخنرانی او در کنگره قبلی فقدان را فراموش کرده بودند. در این قسمت حمید تقوایی در تجلیل از منصور حکمت یک سخنرانی پرشور داشت که پی در پی با کف زدن حاضرین قطع میشد. تاکید او این بود که منصور حکمت زنده است و زنده خواهد بود زیرا بشریت برای رها شدن از اسارت و بندگی و فقر و مشقت و برای انقلاب علیه اوضاع موجود به او نیاز دارد. هیتتی از جانب حزب کمونیست کارگری عراق نیز در کنگره شرکت داشت و ریوار احمد لیبر حزب کمونیست کارگری عراق پیام این حزب را به کنگره ارائه داد.

کنگره سپس وارد دستور شد و نمایندگان فعالانه در تمام زمینه ها بحث میکردند و نظرات و ملاحظات خود را طرح مینمودند و بعد قطعنامه ها و اصلاحیه ها به رای گذاشته میشد. گزارش رئیس هیئت دبیران اصغر کریمی، اوضاع سیاسی ایران، خاورمیانه و جنگ دو اردوی تروریسم، حقوق جهانشمول انسان، مذهب زدائی از جامعه، طبقه کارگر و انقلاب، و حقوق زنان بحثهای این کنگره بود و چند قطعنامه و بیانیه از جمله قطعنامه "اوضاع سیاسی ایران و چشم انداز انقلاب"، "بیانیه حقوق جهانشمول انسان"، "بیانیه در مورد مذهب زدائی از جامعه"، و بیانیه حقوق زنان به اتفاق آرا به تصویب رسید. بخشی از قطعنامه ها نیز بخاطر کمبود وقت و نیاز به اصلاحاتی در آنها به کمیته مرکزی منتخب کنگره واگذار شد تا متن نهایی آن ها تهیه و منتشر شود.

کنگره سپس به رای گیری برای انتخاب کمیته مرکزی پرداخت و ۴۶ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب کرد. اسامی اعضای کمیته مرکزی از این قرار است: محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، ریوار احمد، صلاح ایراندوست، نادر بکناش، فاتح بهرامی، حمید تقوایی، کیوان جاوید، نسرين جلالی، علی جوادی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، مجید حسینی، عبدالله دارابی، شهلا دانشفر، سیاوش دانشور، نسرين رمضانعلی، صالح سرداری، سهیلا شریفی، ثریا شهابی، فاتح شیخ، مصطفی صابر، ایرج فرزاد، علی فرهنگ، محمد فتاحی، محمود قزوینی، پروین کابلی، اصغر کریمی، امان کفا، اعظم کم گویان، مریم کوشا، خلیل کیوان، اسد گلچینی، آذر ماجدی، مظفر محمدی، آذر مدرسی، بهرام مدرسی، سیاوش مدرسی، کوروش مدرسی، حسین مراد بیگی، مهرنوش موسوی، مریم نمازی، اسد نودینیان، نسان نودینیان، کاظم نیکخواه.

کنگره با سخنان اختتامیه کوروش مدرسی و حمید تقوایی و در میان کف زدن ممتد و پرشور حاضرین خاتمه یافت.

در پلنوم کمیته مرکزی که بلافاصله بدنبال کنگره تشکیل شد، حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان لیبر حزب انتخاب شد. در این پلنوم کوروش مدرسی لیبر قبلی حزب همانطور که در سخنرانی اختتامیه کنگره نیز اعلام کرده بود کاندید نشد و از کاندیداتوری حمید تقوایی حمایت کرد. پلنوم همچنین ۲۱ نفر را بعنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب کرد. اسامی اعضای دفتر سیاسی عبارتند از: محسن ابراهیمی، مینا احدی، فاتح بهرامی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، مجید حسینی، عبدالله دارابی، شهلا دانشفر، ثریا شهابی، مصطفی صابر، فاتح شیخ، ایرج فرزاد، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، مظفر محمدی، آذر مدرسی، کوروش مدرسی، حسین مراد بیگی، مریم نمازی، کاظم نیکخواه.

در اولین جلسه دفتر سیاسی منتخب پلنوم رحمان حسین زاده، فاتح شیخ الاسلامی و آذر ماجدی خود را برای ریاست دفتر سیاسی کاندید کردند و آذر ماجدی بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد. بیانیه ها و قطعنامه های کنگره در روزهای آینده منتشر خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ - ۲۶ آذر ۱۳۸۲

نه روسری نه صلیب مذهب باید از محیط آموزشی جارو شود

اخیراً، بعد از ماه ها بحث و جدل در ارتباط با حضور زنان معلم با مظاهر مذهبی در مدارس آلمان، گرهارد شرودر رئیس دولت آلمان خواهان ممنوعیت حضور معلمان با روسری شده است. و رئیس حزب سوسیال مسیحی (ادموند شتویبر) در استان بایرن از نصب صلیب (نصب صلیب بعنوان یک نشانه تاریخ آلمان)، دفاع کرده است. واقعیت مساله در آلمان فراتر از اینها است. در مدارس آلمان درکنار صلیب، ده ها هزار کودک خردسال ناچارند با حجاب اسلامی به مدرسه بروند. این کودکان قربانیان سنن اسلامی در خانواده ها هستند. دولت و قانون از آنها هیچ حمایتی نمیکند. در آلمان نظام سکولار جدایی آموزش و پرورش از مذهب رعایت نمیشود. دولت آلمان به این مساله بی تفاوت است. جامعه آلمان سکولار است. باید کودکان را از زیر دست و بال خرافه و قوانین و سنتهای مذهبی نجات داد. کودک از مذهب و هرگونه ایدئولوژی مبراست و پوشش مذهبی برای کودکان در واقع یک اجبار و تحمیل از جانب نیروهای مذهبی به این انسانهای کوچک و بی دفاع است. محیط آموزش و پرورش در سراسر آلمان باید از مظاهر مذهبی چه اسلامی و چه مسیحی و غیره جدا باشد. صلیب باید از محیطهای آموزش و پرورش و مدارس برداشته شود. سیاست "ادموند شتویبر" دفاع از نصب صلیب در مدارس سیاستی مذهبی و راسیستی است. با این سیاست مذهبی و راسیستی دست مذاهب گوناگون در دخالت در وجوه مختلف زندگی آزاد انسانها و آموزش و پرورش باز میشود. کودکان اولین قربانیان خاموش این سیاستها خواهند بود.

حزب کمونیست کارگری ایران تمامی مردم آلمان را به دفاع از قانون جدایی مذهب از آموزش و پرورش و دولت فرامیخواند. فرانسه نمونه خوبی است. نظام آموزشی باید سکولار باشد. افراد اعم از معلم و محصل، نمیتوانند در محیط آموزشی با حجاب و لباس و سببهای مذهبی ظاهر شوند.

تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته آلمان

۲۳ دسامبر ۲۰۰۳

۰۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

komettealma@yahoo.de